

## محدودیت تغییر شکل شیاطین جن بر مبنای متون ثقلین

سید علی اصغر موسوی اطهر (پیشکش)<sup>۱</sup>

### چکیده

پیام شماری از روایات معتبر، ناتوانی شیاطین جن در آشکارشدن با سیمای پیامبر ﷺ است. مهم‌ترین جوامع حدیثی شیعه و سنی گزارش‌گر این حقیقت‌اند. در منابع حدیثی شیعه، این حکم به اوصیای پیامبر و شیعیان خاص و در منابع شیعی و سنی، این حکم به همه پیامبران الهی، تسری داده شده است. راه تمییز بین مکاشفه‌ها و خواب‌های رحمانی و شیطانی با فهم درست این آموزه‌ها گره خورده است. هدف این پژوهش، بررسی محدودیت آشکارشدن شیطان‌ها با تنوع شکل، با استناد به روایات معتبر است. به این منظور، ناتوانی شیاطین از آشکارشدن «با سیمای پیامبران و جانشینانشان» و «با سیمای شیعه حقیقی» در دو گام تحلیل می‌شود. بررسی «روایات معارض» و «ناتوانی شیطان‌ها از آشکارشدن با سیمای شیعه حقیقی»، از نوآوری‌های مقاله است.

### واژگان کلیدی

تمثل ابلیس، آشکارشدن شیطان، در خواب‌دیدن معصومان، حضرت سلیمان عليه السلام، اسماعیل فرزند امام صادق عليه السلام، کلام نقلی، معارف حدیث

### درآمد

شماری از شیاطین جن و عده‌ای از فرشتگان و جنیان مؤمن، توانایی آشکارشدن با سیما و شمایل گوناگون را دارند. آنها می‌توانند با حفظ سیرت، ظاهرشان را تغییر دهند. ظهور در اندام چارپایان، پرندگان و خزندگان به صورت عینی و واقعی، نمونه‌ای از توان‌مندی آنهاست. حتی آشکارشدنشان در اندام برخی از شخصیت‌ها، پیر، جوان، مرد، زن، زشت و زیبا و حتی در حال مناجات با خدا، در منابع معتبر روایی فریقین گزارش شده است.<sup>۲</sup> تعداد قابل توجهی از روایات معتبر، پیام‌آور ناتوانی شیاطین جن از آشکارشدن با سیمای معصومان عليهم السلام است. در این صورت، اگر در خواب یا

۱. مدرّس حوزه علمیه قم. (mosaviathar@chmail.ir)

۲. نگارنده در مقاله‌ای دیگر با عنوان «تحلیل روایات امکان تغییر شکل شیاطین جن» به این موضوع پرداخته است.

مکاشفه، کسی از معصومان علیهم‌السلام دیده شود و دلایل کافی برای اینکه تصویر دیده‌شده، تصویر معصوم است، وجود داشته باشد و صرف گمان و رغبت یا خوف نباشد، این رؤیا و یا مکاشفه با مشابهاات عمومی آن، متفاوت خواهد بود؛ از این رو تحلیل دلالت این روایات، بایسته می‌نماید. پیشتر، محدث نوری در بخشی از جلد چهارم کتاب «دارالسلام» در صدد تحلیل این روایات برآمده است. تحقیق پیش رو دو تفاوت اساسی با کتاب یادشده دارد. نخست اینکه روایات به ظاهر معارض، افزون بر ذکر، تحلیل محتوایی شده‌اند. دوم اینکه ناتوانی شیطان‌ها از آشکارشدن با سیمای همه پیام‌آوران الهی و حتی شیعیان، تحلیل شده است؛ موضوعی که در نگاشته مذکور، با جامعیتی این چنین دیده نمی‌شود. این پژوهش با هدف اثبات ناتوانی ابلیس از تغییر شکل و آشکارشدن با سیمای معصومان و شیعیان حقیقی، به کمک روایات معتبر، مأموریت‌های زیر را دنبال می‌کند:

- بررسی گزارش ادعای خدایی ابلیس و نفی آشکارشدنش با سیمای پیامبر
- بررسی گزارش‌های دیده‌شدن پیامبر در خواب یا بیداری با توصیه‌های متناقض
- بررسی روایات بیانگر توان‌مندی ابلیس از آشکارشدن با سیمای پیامبران و جانشینانشان
- بررسی مراد از «شیعه» و تحلیل روایت آشکارشدن شیطان با سیمای «اسماعیل»
- امکان تمییز بین خواب‌ها و مکاشفه‌های رحمانی و شیطانی

### گام یکم. ناتوانی از آشکارشدن با سیمای پیامبران و جانشینانشان

روایات متعددی در معتبرترین منابع شیعه و عامه، پیام‌آور ناتوانی شیطان‌ها از آشکارشدن با سیمای پیشوایان معصوم است.

#### ۱. احادیث شیعه

روایات شیعه در نفی امکان آشکارشدن ابلیس و یاران او با سیمای پیامبران و جانشینان ایشان علیهم‌السلام، متعدد و دارای دلالتی روشن است.

یک ثقة الاسلام کلینی به صورت مسند از امام جواد علیه‌السلام روایت کرده که امیر مؤمنان علیه‌السلام

پس از سخنانی در خصوص حیات شهدا، به خصوص نبی مکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، به ابوبکر فرمودند:

وَاللّٰهُ لَيَأْتِيَنَّكَ فَايَقِنْ إِذَا جَاءَكَ؛ فَإِنَّ الشَّيْطَانَ غَيْرُ مُتَحَيِّلٍ بِهِ.<sup>۳</sup>

۳. محمد بن حسن صفار همین آموزه را با سندی مختصر این‌گونه روایت کرده: عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ: «... غَيْرَ مُتَمَثِّلٍ بِهِ». (بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۲۸۰، ح ۱۵) حسن بن سلیمان حلّی نیز در کتاب المحتضر، ص ۱۸، همین روایت را از الکافی نقل کرده؛ با این تفاوت که به جای «غَيْرُ مُتَحَيِّلٍ بِهِ»، عبارت «لَا يَتَمَثَّلُ بِهِ» دیده می‌شود.

به خدا قسم پیامبر ﷺ نزد تو می آید؛ یقین داشته باش! چراکه شیطان شبیه پیامبر نمی شود.<sup>۴</sup>

دو. «محمد بن ابی بکر» و «سلیم بن قیس» از امیر مؤمنان علیه السلام از نبی مکرم صلی الله علیه و آله روایت

کردند:

فَإِنَّ الشَّيْطَانَ لَا يَتَمَثَّلُ بِي فِي نَوْمٍ وَلَا يَقْظَةٍ وَلَا بِأَحَدٍ مِنْ أَوْصِيَائِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.<sup>۵</sup>

به درستی که شیطان، نه در خواب و نه در بیداری تا روز قیامت به صورت من و جانشینانم در نمی آید.

بنا بر این روایت، نفی تمثّل شیطان، هم شامل خواب است و هم بیداری.

سه. موثقه ابن فضال از امام رضا علیه السلام:

به تحقیق پدرم از جدّم از پدرش علیه السلام برایم روایت کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر که مرا در خواب ببیند خود مرا دیده؛ زیرا به تحقیق، شیطان به صورت من و هیچ کدام از جانشینانم (اوصیائی) ... در نمی آید.<sup>۶</sup>

قدر متیقن از اوصیا، جانشینان معصوم پیامبر صلی الله علیه و آله است؛ هر چند ممکن است شامل برخی از اشخاص منصوب از جانب پیشوایان معصوم نیز بشود.

چهار. صحیح زراره از امام صادق علیه السلام:

شیطان، همکاری به نام «متکون» دارد. وی به هر شکلی که بخواهد برای مردم آشکار می شود؛ به صورت بزرگ و یا کوچک؛ هر طور مایل باشد؛ اما به خدا سوگند نمی تواند به صورت پدرم در آید.<sup>۷</sup>

۴. الکافی، ج ۱، ص ۵۳۳، ح ۱۳. (نقل این روایت توسط احمد بن محمد بن عیسی از حسن بن العباس بن الحریش که نزد راوی شناسان بزرگی چون نجاشی و ابن غضائری به شدت تضعیف شده می تواند حکایتگر پذیرش این روایت نزد قمی ها باشد؛ زیرا ابن عیسی از ابن محبوب به جهت متهم بودنش نزد امامیه در روایتش از ابی حمزه، روایت نمی کرد و برخی را از قم به اتهام نقل از ضعفا بیرون کرد. ن. کذ رجال النجاشی، ص ۶۰، ش ۱۳۸ و ص ۵۱۲، ش ۹۸۹؛ رجال ابن الغضائری، ص ۵۱، ش ۳۴ و ص ۳۹؛ جامع الزّواة، ج ۱، ص ۲۰۵؛ رجال ابن داود، ص ۴۰، ش ۱۱۹.)

۵. کتاب سلیم بن قیس، ج ۲، ص ۸۲۳.

۶. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۸۴، ح ۳۱۹۱ (به صورت مرسل)؛ الامالی (صدوق)، ص ۶۴، ح ۱۰.

۷. اختیار معرفة الرجال، ص ۳۰۰، ح ۵۳۷.

نکته قابل تأمل اینکه در آغاز روایت، وقتی زراره به امام صادق علیه السلام خبر داد، یکی از منحرفان، به نام «حمزه»، مدعی است که امام باقر علیه السلام نزد او می‌رود، امام علیه السلام فرمودند:

كَذِبَ وَ اللَّهُ مَا يَأْتِيهِ إِلَّا الْمُتَكَوِّنُ.

دو احتمال در این سخن به نظر می‌رسد:

نخست اینکه شمایل و اندامی را مثلا از پشت سر و یا با هیأتی که امام باقر علیه السلام مشاهده می‌شد، دیده؛ نه چهره‌ای شبیه چهره حضرت؛ به همین دلیل امام علیه السلام می‌فرمایند:

به خدا سوگند که جز متکون نبوده است.

دوم، دروغین بودن اصل ادعای مشاهده که مؤید آن، صدر سخن امام علیه السلام است که فرمودند:

دروغ می‌گوید.

زمانی که ادعای «حمزه» برای خود امام باقر علیه السلام گزارش شد، حضرت به شدت تکذیب کرده و فرمودند:

مَا يَقْدِرُ الشَّيْطَانُ أَنْ يَتَمَثَّلَ فِي صُورَةِ نَبِيٍّ وَلَا وَصِيِّ نَبِيٍّ.<sup>۸</sup>

«کشی»، با چند سند صحیح این سخن امام باقر علیه السلام را روایت کرده است.

در جمع بین این فرمایشات می‌توان گفت که ادعای دیدن امام باقر علیه السلام، متعلق تکذیب قرار گرفته و نه اصل دیدن کسی که همان متکون باشد.

پنج. کشی به سندش از امام صادق علیه السلام روایت کرده:

إِنِّي سَمِعْتُ أَبِي يَقُولُ إِنَّ شَيْطَانًا يُقَالُ لَهُ الْمُدْهَبُ يَأْتِي فِي كُلِّ صُورَةٍ إِلَّا

أَنَّهُ لَا يَأْتِي فِي صُورَةِ نَبِيٍّ وَلَا وَصِيِّ نَبِيٍّ.<sup>۹</sup>

۸. اختیار معرفة الرجال، ص ۳۰۴، ح ۵۴۸.

۹. اختیار معرفة الرجال، ص ۲۹۲، ح ۵۱۶.

از پدرم شنیدم که فرمود: شیطانی به نام «مذهب» وجود دارد که می‌تواند به هر شکلی درآید؛ البته با سیما و شمایل هیچ پیامبر و وصی پیامبری آشکار نمی‌شود.<sup>۱۰</sup>

شیاطین جن، توانایی آشکارشدن با سیمای هیچ یک از برگزیدگان الهی اعم از پیامبران و رسولان و اوصیای ایشان علیهم‌السلام را ندارند. از سوی دیگر، دلیلی برای محدودیت مفاد این روایات در دوره حیات هر امام وجود دارد و شامل دوران پس از حیات دنیوی آنان نیز می‌شود.

## ۲. روایات اهل سنت

معتبرترین منابع عامه هم این حقیقت را با سندها و عبارات گوناگون، تنها در خصوص پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بازگو کرده‌اند که چند نمونه آن در پی می‌آید:

یک. صحیح بخاری

- فَإِنَّ الشَّيْطَانَ لَا يَتَمَثَّلُ فِي صَوْرَتِي.<sup>۱۱</sup>

- وَلَا يَتَمَثَّلُ الشَّيْطَانُ بِي.<sup>۱۲</sup>

- فَإِنَّ الشَّيْطَانَ لَا يُتَخَيَّلُ بِي.<sup>۱۳</sup>

- فَإِنَّ الشَّيْطَانَ لَا يَتَكُونُنِي.<sup>۱۴</sup>

دو. صحیح مسلم

- لَا يَنْبَغِي لِلشَّيْطَانِ أَنْ يَتَشَبَّهَ بِي.<sup>۱۵</sup>

سه. مسند احمد بن حنبل

- فَإِنَّ الشَّيْطَانَ لَا يَنْبَغِي لَهُ أَنْ يَتَمَثَّلَ بِمَثَلِي.<sup>۱۶</sup>

۱۰. زید نرسی در کتابش از امام صادق علیه‌السلام روایت کرده: «إِنَّ شَيْطَانًا قَدْ وَلَعَ بِابْنِي إِسْمَاعِيلَ يَتَصَوَّرُ فِي صَوْرَتِهِ لِيُثْمِتَ بِهِ النَّاسَ

وَأَنَّهُ لَا يَتَصَوَّرُ فِي صَوْرَةِ نَبِيٍّ وَلَا وَصِيٍّ نَبِيٍّ» (الاصول الستة عشر، ص ۱۹۷)

۱۱. صحیح البخاری، ج ۱، ص ۳۳، ح ۱۱۰ و ج ۸، ص ۴۴، ح ۶۱۹۷.

۱۲. صحیح البخاری، ج ۹، ص ۳۳، ح ۶۹۹۳.

۱۳. صحیح البخاری، ج ۹، ص ۳۳، ح ۶۹۹۴.

۱۴. صحیح البخاری، ج ۹، ص ۳۳، ح ۶۹۹۷.

۱۵. صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۷۷۶، ح ۲۲۶۸.

۱۶. مسند احمد، ج ۶، ص ۲۳، ح ۳۵۵۹.

- لا يَسْتَطِيعُ أَنْ يَتَّسَبَّهَ بِهِ.<sup>۱۷</sup>

بر پایه این روایات، ناتوانی آشکارشدن شیطان‌ها با سیمای پیشوایان معصوم، گستره خواب و بیداری را شامل می‌شود. روایات نافی تمثّل ابلیس با سیما و شمایل پیشوایان معصوم، از حیث «تعداد»، «سند» و «منع» دارای اهمیت بوده و هم از جهت «دلالت و محتوا» نیز روشن است.

### ۳. روایات معارض

در برابر احادیث نافی تمثّل شیطان‌ها با سیمای پیشوایان معصوم، چند روایت با ظاهری معارض وجود دارد که حکایت‌گر آشکارشدن شیاطین جن با سیمای پنج تن آل عبا و حضرت سلیمان عليه السلام است. هم‌چنین به شیخ مفید نسبت داده شده که می‌گفت:

اگر شخصی از میان بشر با توانایی بسیار محدود مانند فرعون، بتواند ادعای خدایی کند، چرا ابلیس که از قابلیت بسیار بالاتری برخوردار است، نتواند با وسوسه‌اش در خواب شخص، ادعا کند که پیامبر است؟<sup>۱۸</sup>

بر مبنای همین اندیشه، ایشان دیدار پیشوایان معصوم عليهم السلام در خواب را در برخی از موارد، حقیقی نمی‌داند؛ مانند خواب‌دیدن این بزرگواران در حال امر به منکر و نهی از معروف! شیخ مفید در ادامه می‌گوید:

در میان فرقه‌های مختلف منسوب به اسلام، بسیار دیده شده که برخی، رو در روی هم قرار گرفتند و کسانی از هر فرقه‌ای ادعا کردند که نبیّ مکرم صلی الله علیه و آله را در حالی به خواب دیده‌اند که مؤید فرقه بیننده خواب و نافی فرقه‌های دیگر بوده است. روشن است که از میان این خواب‌ها تنها یکی ممکن است درست باشد و بقیه، تخیلات شیطانی است.<sup>۱۹</sup>

برخی از بزرگان در برابر دیدگاه شیخ مفید، تأیید و یا امر به باطل، از سوی نبیّ مکرم صلی الله علیه و آله یا یکی از پیشوایان معصوم را در خواب یا بیداری، فرضی محال دانسته‌اند که هرگز واقع نشده و نخواهد شد.<sup>۲۰</sup> مرحوم محمد تقی مجلسی می‌گوید:

۱۷. مسند احمد، ج ۵، ص ۳۸۸، ح ۳۴۱۰ و ج ۱۵، ص ۲۹۶، ح ۹۴۸۸.

۱۸. کنز الفوائد، ج ۲، ص ۶۴.

۱۹. کنز الفوائد، ج ۲، ص ۶۴.

۲۰. ن. کنز لوامع صاحبقرانی، ج ۸، ص ۵۶۱.

تا به حال نشنیدیم کسی، پیامبر را در حالی که به باطل امر کند در خواب دیده باشد.<sup>۲۱</sup>

در بررسی دیدگاه شیخ مفید، می‌توان گفت که ادعای دیده‌شدن نبی مکرم ﷺ و دیگر پیشوایان معصوم در حالت بیداری یا خواب، چند فرض دارد:

اول. تنها صدایی شنیده شده و بدون این که صاحب صدا خودش را معرفی کند، گمان شده که او، پیامبر ﷺ است.

دوم. شبیه فرض پیشین، با این تفاوت که صاحب صدا خودش را رسول الله ﷺ معرفی کرده باشد.

سوم. سیما و شمایل شخصی، دیده شده و بدون این که آن شخص، پیامبر اکرم ﷺ معرفی شده باشد، گمان شده که ایشان است.

چهارم: شبیه فرض سوم، با این تفاوت که آن شخص، از سوی خودش یا دیگری و یا به شکل الهام، نبی مکرم ﷺ معرفی شده باشد.  
از سوی دیگر، پیامبر ﷺ فرمودند:

مَنْ رَأَى فِي مَنَامِهِ فَقَدْ رَأَى لِأَنَّ الشَّيْطَانَ لَا يَتَمَثَّلُ فِي صَوْرَتِي.<sup>۲۲</sup>

اگر کسی مرا در خواب ببیند، مرا دیده است؛ زیرا شیطان به صورت من در نمی‌آید. بر پایه این روایت، می‌توان گفت که دو فرض آخر با شرایطی قابل تطبیق بر پیامبر ﷺ است.

فرض سوم برای شخصی که رسول الله ﷺ را در زمان حیاتشان دیده و همان سیما و شمایل را بعد از وفات می‌بیند راه‌گشاست. فرض چهارم نیز در صورتی که «دیده‌شده» خودش را معرفی کند، پذیرفتنی است؛ زیرا از سویی در روایت، تعبیر «مَنْ رَأَى» آمده و از سوی دیگر، فرمایش نبی مکرم ﷺ با حرف «قد»، «فعل ماضی» و «جمله تعلیلیه»، با قوت پشتیبانی شده است. حال، اگر کسی مدعی شود که سیمای پیامبر یا یکی از اوصیا را در خواب یا بیداری دیده که امر به باطلی

۲۱. روضة المتقين، ج ۵، ص ۳۹۸.

۲۲. من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۵۸۵، ح ۳۱۹۱.

کرده و یا آن را تأیید کرده و یا مشغول باطلی بوده‌اند، خود وی متهم به کذب خواهد شد. بنابراین همراهی با مدّعی شیخ مفید تنها در ارتباط با دو فرض اول، ممکن به نظر می‌رسد.

در ادامه، روایات معارض، بررسی می‌شود.

### ۱/۳. ادّعی خدایی شیطان و نفی آشکارشدن با سیمای معصومان

معصومان علیهم‌السلام خبر داده‌اند که شیطان، در خواب و بیداری ادّعی خدایی کرده است. این ادّعا

هم شنیده و هم دیده شده است. نمونه آن، اتّفاقی است که برای «اصحاب رس» رخ داد.<sup>۲۳</sup>

نمونه دیگر آن روایتی است که حفص خثعمی نقل کرده است:

زمانی که به امام صادق علیه‌السلام خبر رسید، ابومنصور<sup>۲۴</sup> مدّعی است او را به سوی خداوند بالا برده‌اند و خداوند دست بر سر او کشید و به فارسی به وی گفت: «ای پسر!» امام علیه‌السلام فرمودند: «پدرم از جدش از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم روایت کرد که فرمود: ابلیس، تختی در بین زمین و آسمان برای خود گذاشته و به اندازه فرشتگان، برای خود، کارمند و خدمت‌گزار دارد. شیطان هرگاه بخواهد مردی را به طرف خویش فراخواند، نخست او را دعوت می‌کند؛ هنگامی که وی به ندای شیطان لَبّیک گفته و دنبالش حرکت کرد و در راه او گام نهاد، شیطان، خود را به او نشان داده و به سمت خویش می‌برد. ابومنصور هم فرستاده ابلیس است؛ خدا او را لعنت کند.» امام علیه‌السلام این را سه بار تکرار کردند.<sup>۲۵</sup>

اکنون باید روشن شود که چرا شیطان نمی‌تواند شبیه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم شود؛ حال آن‌که گفته شده،

او در شکل دل‌خواه، ادّعی خدایی کرده است؟

۲۳. ن. کد علل الشرائع، ج ۱، ص ۴۰: «... خَرُوا لِلشَّجَرَةِ سُجَّدًا ... فَكَانَ الشَّيْطَانُ يَجِيءُ وَيُخْرِكُ أَعْصَانَهَا وَيُصِيحُ مِنْ سَاقِهَا صِيحَ الصَّبِيِّ، إِنِّي قَدْ رَضِيتُ عَنْكُمْ عِبَادِي فَطَلَبُوا نَفْسًا وَقَرُّوا عَيْنًا ...».

۲۴. ابومنصور العجلی، بادیه‌نشین و بی‌سواد بود و نمی‌توانست بخواند. امام باقر علیه‌السلام به سبب انحرافش از مسیر حق از وی بی‌زاری جستند. در کارنامه سیاهش بعد از شهادت امام علیه‌السلام، ادّعاهای امامت، نبوت، رسالت، عروج به آسمان، دیدن خداوند و شنیدن خطاب «یا بُنّی!» ثبت شده است. وی به اصحابش دستور می‌داد تا مخالفانش را ترور کنند و این کار را جهاد خفی معرفی می‌کرد. (ن. کد قاموس الرجال، ج ۱۱، ص ۵۲۳)

۲۵. الکافی، ج ۳، ص ۲۹۰، ح ۸؛ تهذیب الاحکام، ج ۲، ص ۲۶۸، ح ۱۰۶۸ (به‌صورت مرفوع) و نیز ن. کد اختیار معرفة الرجال، ص ۳۰۳، ح ۵۴۶.



عده‌ای در پاسخ گفته‌اند که نبی مکرم ﷺ مظهر اسم «الهادی» و ابلیس، مظهر اسم «المضل» خداست و چون این دو صفت (هدایت و ضلالت) ضدّ هم هستند، شیطان نمی‌تواند شبیه پیام‌آور وحی شود و اگر می‌توانست، از هدایت‌گران سلب اعتماد می‌شد.

هم‌چنین در پاسخ به این پرسش که «چگونه ابلیس می‌تواند خود را خدا معرفی کند؟» گفته‌اند:

از دو جهت می‌شود جواب داد. یکی اینکه هر عاقلی می‌داند، خدا صورت معین ندارد تا باعث اشتباه شود به خلاف پیامبر. دوم اینکه مقتضای حکمت خدا این است که هر که را بخواهد گمراه کند و یا هدایت کند؛ به خلاف پیامبر که تنها هدایت‌گر است [نه گمراه‌کننده].<sup>۲۶</sup>

برخی افزودند:

بطالن ادعای الوهیت از افراد بشر واضح بوده و جای هیچ شبهه‌ای نیست؛ به خلاف ادعای پیامبری.<sup>۲۷</sup>

در تحلیل پاسخ‌های یادشده باید گفت، شاید این سخنان، ناتمام باشد؛ زیرا در عمل، ادعای الوهیت از جانب شیاطین جن و حتی برخی از شیاطین انس مانند «فرعون» و «نمرود»، عده زیادی را در دام شرک و شقاوت گرفتار کرده است. افزون بر این، محدودیت شیاطین جن، نفی آشکارشدن با سیمای نبی مکرم ﷺ و دیگر پیامبران است نه ادعای پیامبری و ادعای آنکه فرستاده‌ای از فرستادگان خداست.

از سوی دیگر، اعتقاد به این که ابلیس، مظهر اسم «مضل» خداست،<sup>۲۸</sup> ظاهراً با آموزه‌های وحیانی هم‌سو نیست؛ زیرا، از بارزترین ویژگی‌های اضلال شیطان عبارت است از مانع‌شدن در مسیر رشد و کمال و هدایت‌بندگان خدا، گسترده‌گی این اضلال نسبت به بندگان صالح و غیر صالح و ریشه‌داشتن این اضلال در استکبار و انتقام‌جویی. در برابر، بارزترین ویژگی اضلال خداوند عبارت است از سلب توفیق، استدراج، به حال خود گذاشتن، شمولیت نسبت به بنده‌ای می‌شود که مسیر هدایت برایش آشکار و هموار شده و فرصت‌هایی هم به او داده شده اما او خود از روی اختیار، هدایت و رحمت الهی را نپذیرفته است و ریشه‌داشتن اضلال در سوء اختیار بنده. در نتیجه اضلالی که به خدا نسبت

۲۶. سبل الهدی و الرشد، ج ۱۰، ص ۴۶.

۲۷. موسوعة کشف اصطلاحات الفنون و العلوم، ج ۱، ص ۸۹۴.

۲۸. یکی از مشاهیر گفته است: «هرچند گفتن و شنیدن این سخن دشوار است؛ ولی حقیقت است که شیطان هم مظهر اسم یا مُضِلّ است.» (هزار و یک کلمه، ج ۲، ص ۱۳۴ و ج ۴، ص ۲۱۶)

داده می‌شود با اضلالی که به ابلیس نسبت داده می‌شود «متباینان» هستند و تنها در اسم، اشتراک دارند.

آری، این سخن، استوار است که ناتوانی شیطان از آشکارشدن با سیمای یکی از پیشوایان معصوم به جهت پیشگیریِ سلب اعتماد از هدایت‌گران معصوم است که رابط بین خلق و خالق اند. از سوی دیگر با هدایت‌گری و روشن‌گری این هدایت‌گران، ادعای الوهیت یا ربوبیت و نبوت شیاطین جن و انس خنثی‌شدنی است؛ اما اگر شیاطین جن، توانایی آشکارشدن با سیمای شخصیتی از این هدایت‌گران را داشته باشند، مسیر هدایت هموار نخواهد بود. بنابراین، هرچند شیطان، در خواب یا بیداری انسان‌ها، ادعای خدایی می‌کند، اما هیچ‌گاه نمی‌تواند به شکل معصومان علیهم‌السلام درآید. آری، ببیننده‌ای می‌تواند وهم دیدن معصومان را داشته باشد ولی با دلیل کافی نمی‌تواند ادعای خویش را پشتیبانی کند.

### ۲/۳. انگاره آشکارشدن شیطان‌ها با سیمای حسنین علیهم‌السلام

مرسله ابی‌بصیر از امام صادق علیه‌السلام نقل می‌کند که صدیقه طاهره علیها‌السلام در خواب، امام حسن و امام حسین علیهم‌السلام را با سر بریده و یا کشته شده، دیدند. پس از بیداری و اندوه فراوان، خواب را برای پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم گزارش کردند. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، «رؤیا» را فراخواندند و پس از تجسّمش از او پرسیدند:

تو این مصیبت را به فاطمه نشان دادی؟

گفت:

نه.

از «اضغاث» نیز همان را پرسیدند و او اقرار کرد که نشان‌دادن این صحنه‌های غم‌بار، کاروی بوده و قصد داشته تا به حضرت زهرا علیها‌السلام آزار و اندوه برساند. سپس رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به دخترشان فرمودند:

إِسْمَعِي لَيْسَ هَذَا بِشَيْءٍ.

آنچه دیدی، چیزی نیست.<sup>۲۹</sup>

۲۹. تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۱۷۸.

تنها منبع این مرسله، تفسیر عیاشی است؛ البته علامه مجلسی معتقد است:

وَ الْحَدِيثُ مَشْهُورٌ وَ مَتَكَرَّرٌ فِي الْأُصُولِ.<sup>۳۰</sup>

این حدیث مشهور بوده و در اصول، تکرار شده است.

دو معنا برای عبارت «لَيْسَ هَذَا بِشَيْءٍ» به نظر می‌رسد:

۱. به آنچه دیدی اهمّیت نده و فکرت را با آن مشغول نکن؛ زیرا، چیز مهمی نیست. به عبارت دیگر، اگرچه این روای تلخ، واقع‌شدنی است؛ اما، نسبت به آسایش و شیرینی‌هایی که در آخرت، نصیب صابران می‌شود، چیزی به حساب نمی‌آید. تحقق این روای بعد از شهادت حضرت زهرا علیها السلام می‌تواند بهترین مؤید این معنا باشد.

۲. آنچه دیدی، حقیقت ندارد و یا مخلوطی از حقیقت و غیر حقیقت است. (سر امام حسن علیه السلام،

بریده نشد.)

حال، این پرسش مطرح است که آیا امکان دارد که حضرت زهرا علیها السلام روای «اضغات» ببینند؟

پذیرش این مفهوم، مشکل است و تلاش برخی از محدثان برای کم کردن این استبعاد، کافی نیست.<sup>۳۱</sup> عمرو بن ابی‌المقدّم در صحیح‌های از امام صادق از امام باقر از امیر مؤمنان علیه السلام نقل می‌کند:

به خدا سوگند هیچ بنده از شیعیان ما نخواهد جز آنکه خدا روحش را به آسمان بالا برد ... و اگر زمان مرگش فرا نرسیده آن را با همراهی فرشتگان امین خود به بدن بر می‌گرداند.

گویا ویژگی‌هایی که امیر مؤمنان علیه السلام در این روایت برای «شیعه» بیان کرده‌اند، تنها شامل شیعه حقیقی و خالص می‌شود، نه هر مؤمنی؛ مگر با رتبه‌بندی. ایشان در ادامه می‌فرمایند:

شِيعَتُنَا يَنْطِقُونَ بِنُورِ اللَّهِ [بِأَمْرِ اللَّهِ] عَزَّ وَجَلَّ وَ مَنْ يُخَالِفُهُمْ يَنْطِقُونَ بِتَفَلُّتٍ.<sup>۳۲</sup>

۳۰. بحار الانوار، ج ۵۸، ص ۱۸۸.

۳۱. علامه مجلسی خواسته با بیانی، این استبعاد را کم کند؛ اما، با عبارت «وَ اللَّهُ يَعْلَمُ» گویا قانع‌نشده را اعلان کرده است. عجیب آن که ایشان همانند نویسنده البضاعة المزجاة، ج ۲، ص ۴۰۲، بدون ذکر دلیل، روایت شماره «۱۰۷» از کتاب الکافی، ج ۸، ص ۱۴۲، را ناظر به همین روایت می‌داند. (ن. کد مرآة العقول، ج ۲۵، ص ۳۴۱)

۳۲. الکافی، ج ۸، ص ۲۱۲، ح ۲۵۹ و نیز ن. کد الامالی (صدوق)، ص ۶۲۷ (با سندی دیگر که در فرض پذیرش امامی و ثقه بودن حسین بن حسن بن ابان و علی بن ابی حمزه، سندی صحیح است.)؛ المحاسن، ج ۱، ص ۱۷۸.

روشن است که بالاترین مرتبه این مقام به معصومان علیهم السلام اختصاص دارد. بر پایه این صحیحه، صعود و فرود روح شیعه خالص، تحت اشراف و مواظبت خداوند و گماشتگان امین اوست. با چنین مراقبتی چگونه ممکن است این روح بازیچه اضغاث قرار گیرد؟ همچنین در روایت دیگری آمده:

رؤیای مؤمنان، صحیح است؛ زیرا نفس آنان پاکیزه و یقین ایشان صحیح است. روح او [به هنگام خواب] با فرشتگان ملاقات می کند. بنابراین رؤیای او وحی الهی است ... وحی منقطع شده ولی مبشرات (بشارت‌دهنده‌ها) باقی است. مبشرات، رؤیای زنان و مردان صالح است. ۳۳

پاکیزه بودن نفس و درست بودن یقین ویژگی خواص از مؤمنان یعنی معصومان است. حال که پاره تن پیامبر صلی الله علیه و آله از مؤمنان کامل است، نمی تواند رؤیایش، اضغاث باشد.

ممکن است گمان شود که پیام دو روایت یادشده با پیام روایت محمد نوفلی معارض است. او از امام صادق علیه السلام پرسید که چرا گاهی رؤیای «مؤمن» واقعیت می یابد و گاهی نه؟ حضرت، قسم دوم را از «اضغاث» شمردند. ۳۴ لفظ «مؤمن» در این سخن بدون ویژگی خاصی بیان شده و نشان می دهد که بر اساس برداشت عرفی از این لفظ (همه اهالی ولایت) استعمال شده است. جالب اینکه حکم موجود در روایت محمد بن قاسم نوفلی، در روایات دیگر، برای همه بندگان خدا جاری دانسته شده ۳۵ و نشان می دهد که «مؤمن» از این جهت، خصوصیتی ندارد.

اضغاث بودن رؤیا برای همه بندگان ممکن است؛ حتی برای کسانی که مؤمن عرفی اند؛ اما شیعیان و مؤمنان خالص و کامل یعنی معصومان، از چنین رؤیاهایی مصونیت دارند. بنابراین پذیرش پیام مرسله ابی بصیر دشوار است و احتمال نقل نادقیق در آن وجود دارد.

### ۳/۳. انگاره آشکارشدن ابالیس با سیمای پنج تن آل عبا

فرازی از صحیحه ابی بصیر که از امام صادق علیه السلام نقل کرده، چنین است:

... پس پیغمبر گوسفندی ... خرید، هم چنان که حضرت زهرا [در خواب] دیده بود. امر فرمود آن را کشته و کباب کردند و چون خواستند بخورند، فاطمه

۳۳. جامع الاخبار، ص ۱۷۲.

۳۴. ن. کذ الامالی (صدوق)، ص ۱۴۵، ح ۱۵۰.

۳۵. ن. کذ الامالی (صدوق)، ص ۱۴۵، ح ۱۶ و ۱۷.

برخواست و به کناری رفت و شروع کرد به گریه کردن از ترس آن که همگی خواهند مرد. پیغمبر به جست و جوی او رفت تا اینکه او را در حال گریه یافت. فرمود: دخترم، برای چه گریه می کنی؟ گفت: یا رسول الله! دیشب در خواب چنین و چنان دیدم و شما عینا همان طور که من دیدم در بیداری نمودید؛ پس من دور شدم از شما که منظره مرگ شما را نبینم ... جبرئیل آمد و گفت: ... این شیطانی است که به او «زها» گویند و اوست که این خواب را به فاطمه القا کرد ...

تنها منبع این روایت، تفسیر منسوب به علی بن ابراهیم قمی است.<sup>۳۶</sup> افزون بر اشکالی که ذیل مرسله گذشته ابی بصیر ذکر شد و ضعف کتاب منسوب به علی بن ابراهیم، این متن، اشکال دیگری هم دارد. واقع شدن مو به موی خواب، حتی ذبح گوسفند به همان وجهی که در خواب دیده شده، نشان دهنده ظن قوی بلکه یقین حضرت زهرا علیها السلام به مسمومیت منجر به مرگ پدر، همسر و دو فرزندشان پس از خوردن ذبیحه است. همین ظن قوی، کافی بود تا آنها را از خوردن این ذبیحه نهی کنند نه اینکه به کناری روند و بگویند:

من از شما دور شدم تا منظره مرگ شما را نبینم.

چنین رفتاری از شخص غیر معصوم دور از باور است چه رسد به شخصیتی چون صدیقه طاهره علیها السلام. حال اگر گفته شود مقام «تسلیم و رضا» ایشان را به سکوت واداشته است، پاسخ داده می شود که در این صورت، باید خود ایشان هم از ذبیحه می خوردند؛ چنانچه در خواب، همگی خوردند و مردند. از سوی دیگر، بنا بر مرسله ابی بصیر، زمانی که حضرت زهرا علیها السلام خواب شهادت حسنین علیهم السلام را دیدند، غمگین شده و آن را با پیامبر صلی الله علیه و آله در میان گذاشتند. ایشان چرا این جا لب فرو بستند؟

شیاطین جن از آشکار شدن با سیمای پیامبران و اوصیای ایشان علیهم السلام ناتوانند. از سوی دیگر بین اضغاث بودن یک رؤیا با تمثّل شیطان، ملازمه ای نیست. با فرض پذیرش اضغاث بودن دو رؤیای یادشده، این دو گزارش نه بالمطابقه حکایت گر آشکار شدن شیاطین جن با سیمای یکی از پیشوایان معصوم هستند و نه بالملازمه.

### ۴/۳. گزارش آشکار شدن شیطان با سیمای حضرت سلیمان علیه السلام

آشکار شدن شیطان با سیمای حضرت سلیمان علیه السلام، تنها با روایتی مرسل، در تفسیر منسوب به علی بن ابراهیم قمی<sup>۳۷</sup> گزارش شده است. این مرسله، افزون بر ضعف منبع و سند، دربردارنده

۳۶. تفسیر القمی، ج ۲، ص ۳۵۵.

۳۷. ن. کد تفسیر القمی، ج ۲، ص ۲۳۷.

گزاره‌هایی است که با مبانی وحیانی و شأن نبوت هم‌سو نیست؛ مانند هم‌بستر شدن شیطان ضمن شمایل حضرت سلیمان علیه السلام با همسر آن حضرت در حال حیض، کشته شدن تعدادی از اسب‌ها به دست این پیامبر بزرگ الهی به ستم و مؤاخذه شدن ایشان از سوی خدا و حکم‌رانی شیطان در سیمای حضرت سلیمان علیه السلام و نشستن بر مسند ایشان.<sup>۳۸</sup>

## گام دوم. ناتوانی از آشکار شدن با سیمای شیعه

گفته شد که شیطان‌ها از آشکار شدن با سیمای پیشوایان معصوم، ناتوانند. اکنون، جای این پرسش است که آیا گستره قدرت تغییر شکل آنها، خط قرمز دیگر هم دارد؟<sup>۳۹</sup> در موثقه ابن فضال،<sup>۴۰</sup> شیعیان اهل بیت علیهم السلام نیز در کنار پیامبران و جانشینان ایشان قرار گرفته‌اند. در این موثقه، امام رضاء علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کردند:

... لِإِنَّ الشَّيْطَانَ لَا يَتَمَثَّلُ فِي صُورَتِي وَلَا فِي صُورَةِ وَاحِدٍ مِّنْ أَوْصِيَائِي وَ

لَا فِي صُورَةِ أَحَدٍ مِّنْ شِيعَتِهِمْ.<sup>۴۱</sup>

... زیرا شیطان به صورت من و هیچ کدام از جانشینانم و شیعیان آنها در نمی‌آید.

«شیعه» در لغت، برگرفته از «شیاع»، به «معنای پیرو، یاری‌کننده»<sup>۴۲</sup>، «گسترده‌گی وسیع با قدرت»<sup>۴۳</sup>، «گروهی پای‌بند به یک اعتقاد»<sup>۴۴</sup> است. این اسم، غالباً برای دوستان و پیروان حضرت علی و اهل بیت علیهم السلام به کار می‌رود.<sup>۴۵</sup> اگرچه برخی از مخالفان تشیع، با زیرکی تلاش کرده‌اند که با

۳۸. برخی از محدثان و مفسران شیعه، این روایت را با فرض صدور از معصوم علیه السلام، تقیه‌ای و موافق نوشته‌های عامه (و از

اسرائیلیات) می‌دانند. (ن. کذب‌انوار، ج ۱۶، ص ۱۰۱؛ مجمع البیان، ج ۸، ص ۷۴۳)

۳۹. برخی از منابع عامه از پیامبر روایت کرده‌اند: «وَمَنْ رَأَىٰ أَبَاكَرَ الصِّدِّيقِ فِي الْمَنَامِ فَقَدْ رَأَىٰ، فَإِنَّ الشَّيْطَانَ لَا يَتَمَثَّلُ بِهِ.» (تاریخ

بغداد، ج ۸، ص ۳۲۹، ش ۴۴۲۸)

۴۰. ن. کذب لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۵۸۴، ح ۳۱۹۱ (به صورت مرسل)؛ الامالی (صدوق)، ص ۶۴، ح ۱۰ (در سند این روایت

موثق، غیر از محمد بن ابراهیم بن اسحاق، بقیه، توثیق خاص دارند. اکتار روایت شیخ صدوق از این راوی به همراه ترخم و ترضی

در بیش از ۲۰۰ مورد، علی المبنی حکایت‌گر وثاقت اوست. در کتاب روضة المتقین، ج ۵، ص ۳۹۷، این روایت با «الموثق كالصحيح»

توصیف شده است)؛ جامع الاخبار، ص ۱۷۲

۴۱. الامالی (صدوق)، ص ۶۴، ح ۱۰.

۴۲. ن. کذب مجمع البحرين، ج ۴، ص ۳۵۶. (شیع: الحطب الصغار ... هیزم‌های خردی که به منظور شعله‌ور ساختن هیزم‌های

بزرگ‌تر به آن افزوده می‌شود)

۴۳. ن. کذب مفردات الفاظ القرآن، ص ۴۷۱.

۴۴. ن. کذب لسان العرب، ج ۸، ص ۱۸۸.

۴۵. ن. کذب مجمع البحرين، ج ۴، ص ۳۵۶؛ لسان العرب، ج ۸، ص ۱۸۹.

اشاره به آیه‌ای از قرآن،<sup>۴۶</sup> شیعه را به معنای گروه تکفیری تفسیر کنند؛<sup>۴۷</sup> اما پیشوایان معصوم با استناد به قرآن، این نام را با شرافت دانسته<sup>۴۸</sup> و انتساب به عنوان شیعه را گوارا می‌شمرند.<sup>۴۹</sup> اکنون باید دید، مراد از شیعیانی که در کنار نبی مکرم و جانشین‌های ایشان، خط قرمز قدرت تغییر شکل شیاطین جن معرفی شده‌اند چیست؟ آیا مراد، همان معنای لغوی است؟ در ادامه، سه احتمال برای تفسیر «شیعیتهم» در موثقه «ابن فضال» ارائه می‌شود.

## ۱. شیعه به معنای عموم ولایت‌مداران

گاهی در روایات، واژه «شیعه» برای عموم محبتان و ولایت‌مداران که از دشمنان‌شان بیزاری می‌جویند به کار می‌رود؛ کسانی که گاهی ممکن است تن به گناهان صغیره و یا کبیره هم بدهند.<sup>۵۰</sup> به نظر می‌رسد که مراد از «شیعیتهم»، این گروه از شیعیان نباشند. مؤید این سخن، آشکارشدن شیطان با سیمای «اسماعیل» است. ولید بن صبیح می‌گوید:

مردی نزد من آمد و گفت: بیا تا فرزند آن مرد بزرگ را به تو نشان بدهم. همراه او رفتم و مرا به نزد گروهی می‌گسار بُرد و اسماعیل (فرزند امام صادق ع) در میان ایشان بود. اندوهناک از آنجا خارج شدم و به مسجد الحرام رفتم. ناگهان اسماعیل را نزد «حجر» دیدم که دستش به دیوار کعبه بود و گریه می‌کرد و پرده‌های کعبه را به اشک دیده خود تر کرده بود. به سرعت بیرون آمدم. باز هم اسماعیل را دیدم که با آن گروه منحرف نشست است! بازگشتم و او را کنار خانه خدا دیدم ... ماجرا را برای امام صادق ع شرح دادم. حضرت فرمود: پسرم، گرفتار شیطانی شده که به صورت او درمی‌آید.<sup>۵۱</sup>

۴۶. الَّذِينَ فَرَقُوا دِيْنَهُمْ وَكَانُوا شِيعًا. (الانعام، ۱۵۹).

۴۷. ن. كذ لسان العرب، ج ۸، ص ۱۸۸. (قَالَ الْأَزْهَرِيُّ: وَ مَعْنَى الشَّيْعَةِ ...)

۴۸. ن. كذ كشف المحجّة، ص ۲۳۶.

۴۹. ن. كذ تفسیر القمی، ج ۲، ص ۲۲۳.

۵۰. ن. كذ الكافی، ج ۱، ص ۲۶۰، ح ۵؛ مرآة العقول، ج ۳، ص ۱۲۶؛ اختيار معرفة الرجال، ص ۴۵۸؛ تفسیر القمی، ج ۲، ص ۳۰۰؛ الكافی، ج ۲، ص ۴۵۱.

۵۱. الامامة و التبصرة، ص ۷۱، ح ۵۹.

غیر از حسین بن مختار قلانسی، بقیه راویان این روایت ثقه و امامی‌اند. او را اگرچه برخی واقفی و ضعیف<sup>۵۲</sup> و برخی نیز ثقه<sup>۵۳</sup> دانسته‌اند، لکن اکثر روایت حماد بن عیسی جهنی (که از اصحاب اجماع است) از وی<sup>۵۴</sup> قرینه شایسته‌ای بر وثاقت اوست. آشکارشدن شیطان به صورت اسماعیل، افزون بر این معتبره، با سند و عبارت دیگر، در کتاب زید نرسی نیز روایت شده است.<sup>۵۵</sup>

اسماعیل، بزرگ‌ترین فرزند امام صادق علیه السلام، شخصیت برجسته و محبوب پدر بوده است و امام علیه السلام در تشییع جنازه‌اش ملاطفتی دیدنی کردند؛<sup>۵۶</sup> اما وی مرتکب اشتباهاتی شد که امام صادق علیه السلام درباره او فرمودند:

عاصي لَا يُشْبِهُنِي وَلَا يُشْبِهُ أَحَدًا مِنْ آبَائِي.<sup>۵۷</sup>

او معصیت‌کار است و شبیه من و هیچ‌یک از پدرانم نیست.

هم‌سو با برخی از شارحان،<sup>۵۸</sup> به نظر می‌رسد که «عاصی»، حاکی از آن است که او دارای مقام عصمت نبوده و از کسانی است که گناه از آنان سر می‌زند؛ نه اینکه فردی فاسق و پُرگناه بوده باشد.

بنابراین، مراد از «شِيعَتِهِمْ» نمی‌تواند عموم ولایت‌مداران باشد.

## ۲. شیعه به معنای خواص

برخی از محدثان، احتمال داده‌اند که مراد از شیعه در موثقه ابن فضال، شیعیان خالصی هم‌چون سلمان، اباذر و مقداد باشد.<sup>۵۹</sup> بازخوانی روایات فراوان، گویای آن است که شیعیان حقیقی، کسانی هستند که حتی یک لحظه هم از فرامین دین و امام زمانشان سرپیچی نمی‌کنند.<sup>۶۰</sup> مثلاً امام رضا علیه السلام

۵۲. ن. کد رجال ابن داود، ص ۴۴۶، ش ۱۴۶.

۵۳. الخلاصة، ص ۲۱۵، ش ۱.

۵۴. تنها در الکافی، ۳۱ روایت از حماد از او آمده است.

۵۵. ن. کد الاصول السنّة عشر، ص ۱۹۷.

۵۶. ن. کد کمال الدین، ص ۷۱؛ من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۱۶۱.

۵۷. کمال الدین، ص ۷۰.

۵۸. ن. کد ریاض الابرار، ج ۲، ص ۲۱۱.

۵۹. ن. کد بحار الانوار، ج ۵۸، ص ۲۳۴.

۶۰. شیخ صدوق ۷۱ روایت مسند در کتاب صفات الشیعة با همین پیام آورده است. سید بحرانی در البرهان، ج ۴، ص ۶۰۲ و سید مرتضی ابطحی در کتاب الشیعة فی احادیث الفرقین نیز در صدد ارایه همین چارچوب بوده‌اند.



به گروهی که مدعی بودند: «ما از شیعیان علی علیه السلام هستیم.» و به دلیل این ادعای نادرست، دو ماه از فیض حضور خدمت حضرت، محروم شدند، فرمودند:

وَيُحْكَمُ إِنَّمَا شِيعَتُهُ الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ وَ سَلْمَانُ وَ أَبُو ذَرَّ وَ الْمُقَدَّادُ وَ عَمَّارُ وَ مُحَمَّدُ  
بْنُ أَبِي بَكْرٍ، الَّذِينَ لَمْ يُخَالِفُوا شَيْئًا مِنْ أَوْامِرِهِ، وَ لَمْ يَرْتَكِبُوا شَيْئًا مِنْ [فُنُونِ]  
رَوَا جِرِهِ. ٦١

وای بر شما! شیعه علی، حسن و حسین و سلمان و ابوذر و مقداد و عمار و محمد بن ابی بکر هستند؛ کسانی که هیچ مخالفتی با دستورات او نکردند و هیچ نهیی از او را مرتکب نشدند.

سپس فرمودند:

اگر می‌گفتید که از دوستان او هستید، با دوستان او دوست و با دشمنان او دشمنید، سخن شما را انکار نمی‌کردم.  
این سخن امام علیه السلام، گونه‌ای از عصمت صغرا را برای امثال سلمان و ابوذر، ثابت می‌کند. خلاصه آنکه شیاطین جن با سیمای شخص معصوم، آشکار نمی‌شوند؛ چه معصوم به عصمت کبری مانند امام حسن و امام حسین علیهم السلام و چه معصوم به عصمت صغری مانند مقداد و عمار.

### ۳. شیعه به معنای پیامبران و جانشینان ایشان

آیات شریفه قرآن کریم از ماده «شیعه» استفاده کرده‌اند. ذیل این آیات، روایاتی آمده که نشان می‌دهد، منظور از شیعه، معصومان علیهم السلام هستند. آیه ۸۳ سوره صافات می‌فرماید:

وَإِنَّ مِنْ شِيعَتِهِ لِأِبْرَاهِيمَ.

به راستی ابراهیم از شیعیانش بود.

بنا بر روایتی مرفوعه از پیامبر صلی الله علیه و آله، حضرت ابراهیم علیه السلام هنگامی که از جایگاه چهارده معصوم

و شیعیانشان آگاه شد، از خدا چنین درخواست کرد:

اجْعَلْنِي إِلَهِي مِنْ شِيعَتِهِمْ وَ مُحِبِّهِمْ.

٦١. التفسير المنسوب إلى الامام العسكري علیه السلام، ص ٣١٢، ح ١٥٩.

خداوند نیز اجابت نموده و فرمود:

قَدْ جَعَلْتُكَ مِنْهُمْ.

این آیه، ناظر به همین واقعه است.<sup>۶۲</sup> روایت یادشده با اندکی تفاوت و به صورت مُسْنَد، در

کتاب «تأویل الآيات الظاهرة» از جابر جعفی از امام صادق عليه السلام آمده است.<sup>۶۳</sup>

علّامه طباطبایی قائل است که مَرَجَعٌ ضَمِيرٌ در «شِيعَتِهِ» نمی‌تواند نبی مکرّم و اهل بیت

ایشان عليهم السلام باشند؛ زیرا چنین مرجعی در آیات قبل ذکر نشده بلکه تنها مرجع، نوح عليه السلام است؛<sup>۶۴</sup>

همچنین این مرجع ضمیر، موافق سیاق آیات نیست. در پاسخ می‌توان گفت که عدم ذکر مرجع

ضمیر در قرآن با شرایطی، سابقه دارد.<sup>۶۵</sup> همچنین روایات یادشده، در مقام بیان مراتب تأویل و یا

بطن قرآن است؛ پس معارضه سیاق با آن بی‌معناست.<sup>۶۶</sup>

آیه ۸۱ سوره آل عمران می‌فرماید:

وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا... جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ  
وَلَتَنْصُرُنَّهُ...

و یاد کنید هنگامی که خدا از همه پیامبران و امت‌هایشان پیمان گرفت که هرگاه ...

در آینده پیامبری برای شما آمد که آنچه را از کتاب‌های آسمانی نزد شماست، تصدیق

کرد، قطعاً باید به او ایمان آورید و وی را یاری دهید.

حسن بن سلیمان حلّی در کتاب مختصر البصائر<sup>۶۷</sup> از کتاب الواحده<sup>۶۸</sup> از امیر مؤمنان عليه السلام روایتی

طولانی آورده که نشان می‌دهد از همه پیامبران عليهم السلام پیمان گرفته شد تا پیامبر اسلام صلى الله عليه وآله را باور

۶۲. ن. كذ الفضائل، ص ۱۵۸.

۶۳. ص ۴۸۵.

۶۴. الميزان، ج ۱۷، ص ۱۴۷.

۶۵. ن. كذ التبيان، ج ۸، ص ۵۰۸.

۶۶. ن. كذ ابهى المراد، ج ۱، ص ۹۲.

۶۷. ص ۱۳۰.

۶۸. ابن ندیم این کتاب را تألیف ابو محمد الحسن بن محمد بن جمهور العمی البصری از اصحاب خاص امام رضا عليه السلام دانسته و

آن را حاوی اخبار، مناقب و مثالب در هشت جزء می‌داند. (ن. كذ الذريعة، ج ۲۵، ص ۷). نجاشی افزون بر پذیرش این انتساب،

افزوده: «ثِقَّةٌ فِي نَفْسِهِ، يُسَبِّحُ إِلَى بَنِي الْعَمِّ مِنْ تَمِيمٍ...» (رجال النجاشی، ص ۶۲، ش ۱۴۴) و نیز ن. كذ تأویل الآيات الظاهرة،

ص ۸۳؛ اثبات الهداة، ج ۴، ص ۴۳۰؛ الايقاظ، ص ۲۹؛ مدينة معجز الاثمة الاثنی عشر، ج ۳، ص ۱۳۲، ش ۷۸۸ و ج ۷، ص ۴۵۵،

داشته و امیر مؤمنان وجانشینان ایشان را یاری کنند. در آینده همه فرستادگان الهی رجعت کرده و با ذکر «لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ» به یاری ایشان یا پیشوایان معصوم می‌شتابند. هم‌چنین بنا بر روایتی از امام صادق علیه السلام، در آن روز، نبی مکرم صلی الله علیه و آله پرچم را به دست حضرت علی علیه السلام می‌دهند و ایشان، امیر همه خلق شده و همه تحت فرمانشان خواهند بود.<sup>۶۹</sup> رجعت پیامبران و فرستادگان پروردگار به منظور یاری رساندن به امیر مؤمنان علیه السلام، افزون بر مختصر البصائر،<sup>۷۰</sup> در تفسیر العیاشی<sup>۷۱</sup> و تفسیر القمی<sup>۷۲</sup> با سندهای متعدد و عبارتهای متنوع آمده است.

ممکن است با عنایت به معنای لغوی شیعه (پیرو، کمک‌کار و یاری‌کننده) و بروز این معنا در پیامبران الهی پس از رجعت، ایشان، کامل‌ترین مصداق در «شیعته‌م» باشند. در صورت پذیرش این تفسیر، ذکر رمزگونه و یا کنایه‌ای «شیعته‌م» در موثقه، از باب «یک تیر و دو نشان» است. از طرفی آشکارشدن شیاطین با سیمای پیام‌آوران الهی، نفی می‌شود و از طرفی به منظور نشان‌دادن جایگاه اهل بیت علیهم السلام، همه پیام‌آوران الهی به عنوان شیعه حقیقی ایشان، معرفی می‌شوند.

بنابراین شیاطین جن، جواز آشکارشدن با سیمای شیعیان خالص و حقیقی اعم از پیامبران الهی و اوصیای ایشان علیهم السلام و یاران خاص آنها مانند سلمان و ابوذر را ندارند.

## نتیجه

تحقیق حاضر، ناتوانی شیاطین جن از آشکارشدن با سیمای پیامبران و اوصیای ایشان و شیعیان خاص را اثبات کرد. هم‌چنین روشن شد که ابالیس، می‌تواند ادعای خدایی یا ادعای پیامبری کند؛ اما ادعای پیامبری با آشکارشدن به سیمای یکی از پیامبران، دو واقعیت جدا از همند که دومی، ممکن نیست. گزارش‌های آشکارشدن یکی از ابالیس با سیمای حضرت سلیمان علیه السلام و یا به شمایل خمسه طیبه به جهت هماهنگ نبودن محتوای آن با عقاید حقه شیعه و نیز ضعف سند یا سند و منبع، پذیرفتنی نیست. از سوی دیگر، ادعای کسانی که مدعی دیدن معصومان و یا شیعیان خاص (پس از

ش ۲۴۵۸؛ الفهرست (طوسی)، ص ۱۳، ش ۶۲۷؛ معالم العلماء، ص ۱۳۹، ش ۶۸۹؛ جمال الاسبوع، ص ۳۶۱؛ فرج المهموم، ص ۹۶؛ الیقین، ص ۴۶۰.

۶۹. ن. کد تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۱۸۱، ح ۷۷.

۷۰. ص ۱۱۲.

۷۱. ج ۱، ص ۱۸۱، ح ۷۶.

۷۲. ج ۱، ص ۱۰۶ و ۲۴۷.

حیات آنها) شده‌اند، نیازمند بررسی است؛ چرا که معلوم نیست، چهره روشنی از آن معصوم یا شیعه خاص ایشان را دیده باشند. یعنی شیطان می‌تواند در صدا و یا هر چیزی غیر از چهره، دخالت کرده و مثلاً با الهامی قلبی و یا با صوتی صریح، خود را به عنوان امام معصوم معرفی کند، بدون اینکه بتواند در چهره امام ظاهر شود.

## پیشنهاد پژوهشی

– بررسی میدانی کیفیت مشاهده نبی مکرم در عصر حاضر از سوی شیعه و غیر شیعه

## منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه حسین انصاریان، قم، اسوه، اول، ۱۳۸۳ش.
۲. اثبات الهداة بالتّوصّ و المعجزات، محمّد بن حسن (شیخ حرّ عاملی)، بیروت، علمی، اول، ۱۴۲۵ق.
۳. اختیار معرفة الرّجال (رجال الکنتی)، محمّد کنتی، مشهد، دانشگاه مشهد، اول، ۱۴۰۹ق.
۴. الاصول السّنة عشر، عده‌ای از علماء، قم، مؤسّسه دارالحدیث، اول، ۱۴۲۳ق.
۵. الامالی، شیخ مفید، تحقیق حسین استادولی و علی اکبر غفاری، قم، کنگره شیخ مفید، اول، ۱۴۱۳ق.
۶. الامالی، محمّد بن علی ابن بابویه (شیخ صدوق)، تهران، کتابچی، ششم، ۱۳۷۶ش.
۷. الامامة و التّبصرة من الحيرة، علی بن حسین ابن بابویه، قم، مدرسه الامام المهدی علیه السلام، اول، ۱۴۰۴ق.
۸. الايقاظ من الهجعة بالبرهان علی الرّجعة، محمّد بن حسن (شیخ حرّ عاملی)، تهران، نوید، اول، ۱۳۶۲ش.
۹. بحار الانوار، محمّد باقر مجلسی، بیروت، داراحیاء التّراث العربی، دوم، ۱۴۰۳ق.
۱۰. البرهان فی تفسیر القرآن، سید هاشم بن سلیمان بحرانی، قم، مؤسّسه بعثت، ۱۳۷۴ش.
۱۱. بشارة المصطفى لشیعة المرتضى، عماد الدّین طبری آملی، نجف، المكتبة الحیدریة، دوم، ۱۳۸۳ق.
۱۲. بصائر التّرجات، محمد بن حسن صفّار، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی، دوم، ۱۴۰۴ق.
۱۳. البضاعة المزجاة (شرح کتاب الرّوضة من الکافی)، محمّد حسین ابن قاریاغدی، قم، دارالحدیث، اول، ۱۴۲۹ق.
۱۴. تاریخ بغداد، خطیب بغدادی، تحقیق مصطفی عبد القادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیة، اول، ۱۴۱۷ق.
۱۵. تأویل الآيات الظّاهرة فی فضائل العترة الطّاهرة، علی حسینی استرآبادی، قم، جامعه مدرّسین، اول، ۱۴۰۹ق.
۱۶. تفسیر العیاشی، محمّد بن مسعود عیاشی، تهران، المطبعة العلمیة، ۱۳۸۰ق.

١٧. تفسير القمی، منسوب به علی بن ابراهیم قمی، قم، دارالکتاب، سوم، ١٤٠٤ق.
١٨. التفسیر المنسوب الی الامام العسکری علیه السلام، قم، مدرسة الامام المهدي علیه السلام، اول، ١٤٠٩ق.
١٩. تفسير فرات الکوفی، فرات بن ابراهیم، تهران، وزارت ارشاد، ١٤١٠ق.
٢٠. التّمحیص، ابن همام اسکافی، قم، مدرسة الامام المهدي علیه السلام، اول، ١٤٠٤ق.
٢١. تهذیب الاحکام، محمد بن حسن (شیخ طوسی)، تحقیق سید حسن موسوی خراسان، تهران، دارالکتب الاسلامیة، چهارم، ١٤٠٧ق.
٢٢. جامع الاخبار، محمد بن محمد شعیری، نجف، المطبعة الحیدریة.
٢٣. جمال الاسبوع بکمال العمل المشروع، سید علی بن موسی ابن طاووس، قم، دارالرضی، اول، ١٣٣٠ق.
٢٤. خلاصة الاقوال، حسن بن مطهر (علّامه حلّی)، تحقیق جواد قیومی، نشر الفقاهة، ١٤١٧ق.
٢٥. الذّریعة الی تصانيف الشّیعة، آقا بزرگ تهرانی، دوم، ١٤٠٣ق.
٢٦. رجال النّجاشی، احمد بن علی نجاشی، قم، جامعه مدرّسین، ششم، ١٣٦٥ش.
٢٧. الرّجال، احمد بن حسین غضائری، تحقیق سیّد محمد رضا حسینی جلالی، قم، دارالحديث، دوم، ١٤٢٨ق.
٢٨. الرّجال، حسن بن علی بن داوود حلّی، تحقیق محمد صادق بحر العلوم، تهران، دانشگاه تهران، اول، ١٣٤٢ش.
٢٩. روضة المتّقین فی شرح من لایحضره الفقیه، محمد تقی مجلسی، تحقیق سیّد حسین موسوی کرمانی و علی پناه اشتهدادی، قم، کوشانیور، دوم، ١٤٠٦ق.
٣٠. ریاض الابرار فی مناقب الائمة الاطهار، سید نعمت الله جزائری، بیروت، مؤسّسة التّاریخ العربی، اول، ١٤٢٧ق.
٣١. سبل الهدی و الرّشاد، صالحی شامی، تحقیق عادل احمد عبد الموجود و علی محمد معوّض، بیروت، دارالکتب العلمیة، اول، ١٤١٤ق.
٣٢. شرح الکافی، محمد صالح مازندرانی، تحقیق ابوالحسن شعرانی، تهران، المكتبة الاسلامیة، ١٣٨٢ق.
٣٣. الشّیعة فی احادیث الفريقین، سید مرتضی ابطحی، چاپخانه امیر، اول، ١٤١٦ق.
٣٤. صحیح البخاری، محمد بن اسماعیل بخاری، تحقیق محمد زهیر بن ناصر و مصطفی دیب البغا، دارطوق النّجاة، اول، ١٤٢٢ق.
٣٥. صحیح مسلم، مسلم بن حجاج قشیری نیشابوری، تحقیق محمد فؤاد عبد الباقي، بیروت، دارالاحیاء التّراث العربی.
٣٦. صفات الشّیعة، محمد بن علی ابن بابویه، تهران، اعلمی، اول، ١٣٦٢ش.
٣٧. علل الشّرائع، محمد بن علی ابن بابویه، قم، داورى، ١٣٨٥ش.

۳۸. الغدير، علّامه امینی، قم، مركز الغدير، اول، ۱۴۱۶ق.
۳۹. فرج المهموم، سيّد علي بن موسى ابن طاووس، قم، دارالذخائر، اول، ۱۳۶۸ق.
۴۰. فضائل الأشهر الثلاثة، محمد بن علي ابن بابويه (شيخ صدوق)، تحقيق غلامرضا عرفانيان يزدي، قم، داوری، اول، ۱۳۹۶ق.
۴۱. الفضائل، ابوالفضل شاذان بن جبرئيل قمی، قم، دارالرضی، دوم، ۱۳۶۳ش.
۴۲. الفهرست، محمد بن حسن (شيخ طوسی)، قم، ستاره، اول، ۱۴۲۰ق.
۴۳. قاموس الرجال، محمد تقی تستری، قم، جامعه مدرّسين، اول، ۱۴۲۲ق.
۴۴. الكافي، محمد بن يعقوب كليني، تحقيق علي اكبر غفاري، تهران، دارالكتب الاسلاميّة، چهارم، ۱۴۰۷ق.
۴۵. كتاب سليم، سليم بن قيس هلالی، تحقيق محمد انصاری زنجانی، قم، الهادي، اول، ۱۴۰۵ق.
۴۶. كشف المحجّة لثمرة المهجّة، سيّد علي بن موسى ابن طاووس، تحقيق محمد حسن، قم، بوستان كتاب، دوم، ۱۳۷۵ش.
۴۷. كمال الدّين و تمام النّعمة، محمد بن علي ابن بابويه (شيخ صدوق)، تهران، اسلاميّة، دوم، ۱۳۹۵ق.
۴۸. كنز الفوائد، محمد بن علي كراچكي، تحقيق عبدالله نعمة، قم، دارالذخائر، اول، ۱۴۱۰ق.
۴۹. لوامع صاحبقراني، محمد تقی مجلسی، قم، مؤسسه اسماعيليان، دوم، ۱۴۱۴ق.
۵۰. مختصر البصائر، حسن بن سليمان حلّی، تحقيق مشتاق مظفر، قم، جامعه مدرّسين، اول، ۱۴۲۱ق.
۵۱. مدينة المعاجز، سيّد هاشم بحراني، قم، اسلاميّة، اول، ۱۴۱۳ق.
۵۲. مرآة العقول، محمد باقر مجلسی، تهران، دارالكتب الاسلاميه، دوم، ۱۴۰۴ق.
۵۳. مسند احمد، احمد بن حنبل، تحقيق شعيب الارنؤوط، بيروت، مؤسسه الرّسالة، دوم، ۱۴۲۰ق.
۵۴. معجم رجال الحديث، سيد ابوالقاسم موسوی خویی، قم، مدينة العلم.
۵۵. من لا يحضره الفقيه، محمد بن علي ابن بابويه (شيخ صدوق)، تحقيق علي اكبر غفاري، قم، جامعه مدرّسين، دوم، ۱۴۱۳ق.
۵۶. موسوعة كشاف اصطلاحات الفنون و العلوم، محمد علي تهنوي، بيروت، مكتبة لبنان النّاشرون، اول، ۱۹۹۶م.
۵۷. مهج الدعوات و منهج العبادات، سيّد علي بن موسى ابن طاووس، قم، دارالذخائر، اول، ۱۴۱۱ق.
۵۸. هزار و يك كلمه، حسن حسن زاده آملی، قم، بوستان كتاب، دوم، ۱۳۸۱ش.
۵۹. اليقين باختصاص مولانا علي بامرة المؤمنین، سيّد علي بن موسى ابن طاووس، قم، دارالكتاب، اول، ۱۴۱۳ق.